

گروه بین‌الملل؛ طی جنگی که از زمان آغاز آن تاکنون بیش از ۱۴ ماه می‌گذرد و باریکه غزه را به ناپودی کشانده است، فرصتی برای رژیم صهیونیستی فراهم شد تا به تجاوزات و اشغالگری خود افزوده و مناطق بیشتری از سرزمین مردم منطقه غرب آسیا را با حمایت مالی، نظامی و سیاسی غربی‌ها اشغال کند. رژیم صهیونیستی در آخرین اقدام تجاوز کارانه خود و پس از آنکه نتوانست در جنوب لبنان پیشروی کرده و دست به اشغال سرزمین ملت لبنان بزند، از فرصتی که تکفیری‌ها و تروریست‌های بین‌المللی در سوریه برای آن به وجود آورده‌اند نهایت استفاده را برده و بخش‌های باقیمانده از جولان اشغالی در خاک سوریه را اشغال کرده و دامنه تجاوزات و استعمار گری خود را به بلندی‌های استراتژیک جبل‌الشیخ در ۲۰ کیلومتری دمشق رسانده و از سوی دیگر دست به اشغال شهر قنطره سوریه زده است. این تحولات پس از آن رخ داد که ارتش سوریه در پی سقوط دولت مرکزی این کشور پست‌های دیده‌بانی خود را در مرزهای جولان اشغالی رها کرد و سربازان سوری اقدام به فرار کردند. رژیم صهیونیستی نیز به بهانه ترک پست از سوی سربازان سوریه و از بین رفتن توافق آتش‌بس با ارتش این کشور، پس از ۵۰ سال به خاک این کشور عربی یورش برد تا عادت دیرینه اشغالگری خود را بار دیگر به نمایش بگذارد. به موازات این یورش و اشغالگری زمینی در مناطق استراتژیک و مهم سوریه که امکان تسلط رژیم صهیونیستی بر منبع آب سوریه، جاده دمشق به بیروت و حتی کشور اردن را به صهیونیست‌ها می‌دهد، ارتش رژیم صهیونیستی امکانات وزیرساخت‌های نظامی کشور سوریه را به شکل کامل نابود کرد. رژیم صهیونیستی طی بیش از ۳۰۰ حمله هوایی و استفاده از ۱۸۰۰ بمب در ساعات ابتدای سقوط دولت سوریه، زیرساخت‌ها و تجهیزات نظامی این کشور را به شکل کامل نابود کرد و تمام سامانه‌های پدافندی، فرودگاه‌های نظامی و انبارهای موشکی کشور سوریه را هدف قرار داد؛ اقدامی تجاوز کارانه که در راستای سیاست‌های توسعه‌طلبانه صهیونیست‌ها و به دنبال افزایش اشغالگری آنها در منطقه رخ می‌دهد. رژیم صهیونیستی پس از اینکه تمام تاسیسات نظامی و زیرساخت‌های علمی سوریه را از بین برد و بر نقاط مهمی در مرز مشترک سوریه، لبنان و فلسطین اشغالی تسلط پیدا کرد نیز دست از اقدامات اشغالگرانه خود برنداشت و دست به پاکسازی برخی روستاهای سوریه از ساکنان آن زد. اقدامات صهیونیست‌ها در خاک سوریه نشان‌دهنده این است که قصد آنها برای حضور در خاک سوریه کوتاهمدت نیست و به همین دلیل نیز آنها نیازمند منطقه‌ای خالی از سکنه در برخی نقاط سوریه هستند. سربازان ارتش اشغالگر در نخستین اقدام تلاش کردند ساکنان روستاهای اطراف قنطره در سوریه را تخلیه کرده و ساکنان شالی را فراری دهند. طبق گزارشات منابع مختلف ارتش اسرائیل اهالی ۲ شهرک الحضر و الحمیدیه را از منازل خود بیرون رانده است. این اقدام، موجب ترس و وحشت اهالی شده و آنها را به مناطق مجاور سوق داده است. روز جمعه نیز منبع سوری خبر دادند ارتش اشغالگر اسرائیل در اطراف شهرک «الصمدانیه» در استان قنطره در جنوب سوریه موضع گرفته است. شبکه تلویزیونی سوریه نیز گزارش داد ارتش اسرائیل به مناطق غربی شهر جبات‌الخشب در استان قنطره وارد شده و از اهالی آن خواسته است سلاح‌های خود را تسلیم کنند. همچنین گزارش شده ارتش اسرائیل تمام ساکنان روستای الحریه را آواره کرده است. رادیو

یوسف پورجم؛ سوریه، سرزمینی که زمانی به عنوان مهد تمدن و تاریخ در خشان شناخته می‌شد، امروز به خط مقدم تحلیل‌های ژئوپلیتیکی و پیش‌بینی‌های نگران‌کننده تبدیل شده است. سقوط بشار اسد، این حاکم جنجالی، در نگاه بسیاری از تحلیلگران نقطه عطفی خواهد بود که سرنوشته این کشور را تغییر می‌دهد اما آیا این تغییر آغاز ثبات خواهد بود یا ورود به چرخه‌ای از هرج‌ومرج؟

تاریخ، شواهدی از سرزمین‌هایی ارائه می‌دهد که با سقوط رهبران‌شان به امید راهایی، با پیامدهایی پیش‌بینی‌نشده مواجه شدند. لیبی پس از قذافی و حتی افغانستان پس از اشغال، همگی نمونه‌هایی از این پارادوکس تلخ هستند. حال باید دید آیا سوریه با ساختار طباقی پیچیده، تنش‌های مذهبی و وابستگی‌های خارجی، می‌تواند راهی متفاوت را طی کند؟

- ساختار طباقی‌های؛ جعبه پاندورا در انتظار گشودن؟**

یکی از ویژگی‌های برجسته سوریه، ساختار اجتماعی چندپاره آن است. علویان، اهل سنت، دروزی‌ها، مسیحیان و دیگر طوایف هر کدام سهمی در بافت جمعیتی این کشور دارند اما این تنوع، به‌جای همبستگی بیشتر سبزی برای رقابت و تقابل بوده است. بشار اسد، با وجود انتقادات گسترده به دیکتاتوری‌اش، نقشی بی‌بدیل در حفظ وحدت نسبی ایفا کرد. او توانست با استفاده

عبدالباق انصاری: در حدود ۳ سال اخیر بحث بر سر تغییرات محیط بین‌الملل از مباحث ترین مباحث حوزه روابط بین‌الملل بوده و بخش عمده‌ای از مباحث تحلیلگران و رسانه‌ها را به خود اختصاص داده است. با نگاهی گذرا به تحولات پس از جنگ دوم جهانی می‌توان گفت محیط بین‌الملل، پس از عبور از جنگ سرد و رقابت بلوک شرق و غرب و ایضا جهان تک‌قطبی به سردمداری آمریکا پس از فروپاشی شوروی، اکنون وارد دوران تازه‌ای شده است؛ دورانی که برخی ویژگی‌های ۲ دوره قبلی را نیز دارد، در عین حال به سبب پیچیدتر شدن معادلات عرصه بین‌المللی، تمایزات اساسی نیز با آن دارد.

تحولات جهان، اکنون از حیث رقابت‌های نظامی و درگیری و جنگ به سبک دوران رقابت ۲۵ ساله آمریکا و شوروی در سال‌های پس از جنگ دوم جهانی در حال رقم خوردن است. جنگ اوکراین و جنگ غزه و متناثر شدن اروپه، آمریکا و خاورمیانه از آن، با روندی عجیب و سیال، نشان داد نظم پیشین دیگر بر هم خورده و امکان بازگشت به آن وجود ندارد. تنش در تنگه تایوان و شبه‌جزیره کره، حرکت اروپا به سمت نظامی‌گری بیشتر و زمزمه ایجاد ساختارهای دفاعی مستقل از ناتو، تغییر دکترین هسته‌ای روسیه و تنش شدید اسرائیل با ایران و محور مقاومت را می‌توان از دیگر نشانه‌های بر هم خوردن نظم جهان و منطقه برشمرد. تحولات قفقاز و سقوط

واکنش جولانی به حملات رژیم صهیونیستی علیه سوریه: کشور آمادگی جنگ دیگری را ندارد و درگیر جنگ نخواهد شد

تخریب الشام

بیش از ۸۰ درصد تجهیزات و زیر ساخت‌های نظامی سوریه منهدم شده‌است



رژیم صهیونیستی در گزارشی مدعی شد ارتش رژیم صهیونیستی قصد حضور طولانی‌مدت در مناطق اشغالی جدید در سوریه را دارد. رادیو ارتش اسرائیل شامگاه چهارشنبه گذشته اعلام کرد ارتش این رژیم «برای حضور طولانی‌مدت در مناطق سوریه پس از عقب‌نشینی نیروهای دولت سوریه از مواضع خود در منطقه بی‌طرف (منطقه حائل) آماده می‌شود. رادیو ارتش اسرائیل همچنین گفت «ارتش اسرائیل در حال تبدیل پایگاه‌های نظامی سوریه که پیش‌تر توسط یگان ۱۰۱ وحدت چترپاران اشغال شده بودند، به پایگاه‌های نظامی ثابت است.»

ایسن رادیو گزارش داد: «ارتش اسرائیل شروع به ایجاد زیرساخت‌های لجستیکی گسترده برای این مناطق کرده است، از جمله آوردن کانکس‌هایی حاوی امکاناتی مانند سرویس‌های بهداشتی، آشپزخانه و حتی دفتر کار برای افسران و احتمال می‌دهند شامل ایجاد سستاندهای نیز شود». طبق این



سایه روشن‌های یک سقوط

نه‌تنها قدرت، بلکه امنیت خود را نیز از دست خواهند داد. این مساله می‌تواند آنها را به دامن بازیگران خارجی برای حمایت بیشتر بکشاند. از سوی دیگر، گروه‌های سنی که سال‌ها به عنوان اپوزیسیون عمل کرده‌اند، ممکن است در نبود توافق داخلی، به رقابت با یکدیگر بپردازند.

نمونه‌ای از این وضعیت در عراق قابل مشاهده است، جایی که سقوط صدام باعث شد گروه‌های شیعه، سنی و کردها هر کدام به سمت حامیان خارجی خود متمایل شوند. نتیجه، سال‌ها جنگ داخلی، فقر و بی‌ثباتی سیاسی بود.

- لبیی: آینده‌ای محتمل برای سوریه؟**

اگر بخواهیم یک تصویر مقایسه‌ای ارائه دهیم، لیبی پس از قذافی مثال مناسبی خواهد بود. آنجا نیز خلأ قدرت به جنگ داخلی، ظهور گروه‌های شبه‌نظامی و افزایش نفوذ خارجی منجر شد. سوریه به همین ترتیب در همان سرنوشته دچار شود.

با توجه به نقشه جغرافیایی و اجتماعی سوریه، تکرار چنین سناریویی بعید نیست؛ نبود یک دولت مرکزی در سوریه می‌تواند

بازنگری در استراتژی بازدارندگی و موازنه قدرت

دولت بشار اسد را نیز باید به این لیست افزود. در این میان بازیگران عرصه بین‌الملل درصدد هستند با کمترین هزینه و تبعات، جایگاه خود را در نظم جدید تعریف کنند و نقشی فعال و مقتدرانه در دنیای جدید ایفا کنند. هر چند گروه‌خوردگی منافع و ساختار نظام بین‌المللسل در قرن ۲۱ به مثابه یک عامل بازدارنده تنش نظامی میان ابرقدرت‌ها عمل می‌کرد اما پیدایش ساختارهای جدید و ایضا مداخلات کشورها در حوزه نفوذ و حیاط خلوت یکدیگر سبب شد ساختار کنونی بین‌الملل به سمت تغییرات جدی حرکت کند.

در ایسن میزان قدرت نظامی و امنیتی و قدرت اقتصادی و تکنولوژیک تعیین‌کننده اندازه و نقش و جایگاه کشورها در محیط جدید بین‌الملل هستند. هر چند این مولفه‌ها در ۲ دوره پیشین موردآساره نیز، تعیین‌کننده بوده‌اند اما بازتعریف رویکردهای کشورها به این مسائل در دوران جدید، ضرورتی اجتناب‌ناپذیر است. رقابت بریکس با گروه ۷ و به چالش کشیدن قدرت اقتصادی آن و بر هم خوردن موازنه نیروها در خاورمیانه و فرسایشی شدن جنگ اوکراین نشان داد کشورهای برای بقا، تأمین امنیت ملی و افزایش قدرت خود نیازمند بازنگری در رویکردهای اقتصادی و دفاعی خود هستند. در این میان ضرورت چنین بازنگری‌ای برای جمهوری اسلامی به سبب تحولات منطقه، پرونده فرسایشی و ساختگی هسته‌ای، فتنسارهای اقتصادی و افزایش شدید تنش

واکنش شورشیان
به اشغالگری صهیونیست‌ها

ابومحمد الجولانی، سرکرده گروه تکفیری

تحریر الشام در واکنش به حملات اسرائیل به زیرساخت‌های نظامی سوریه به اسکای نیوز گفت: «کشور به سمت توسعه و بازسازی حرکت می‌کند و به سمت ثبات پیش می‌رود، کشور آمادگی جنگ دیگری را ندارد و درگیر جنگ دیگری نخواهد شد. منبع اصلی ترس ما از شبه‌نظامیان ایران، حزب‌الله و رژیم سوریه بود». مقامات تحریر الشام و تکفیری‌ها نیز در پاسخ به نگرانی ملت سوریه درباره اشغال مناطقی از سوریه و پیشروی صهیونیست‌ها تا نزدیکی دمشق گفتند اولویت آنها حل مشکلات آب، برق و زیرساخت‌های کشور سوریه است. این سخنان در حالی مطرح شده است که بلندی‌های جولان و منابع آب مهم و استراتژیک سوریه به طور کامل توسط صهیونیست‌ها اشغال شده و بخشی از مناطق قنطره و جنوب سوریه و از ارتفاعات استراتژیک جبل‌الشیخ که مشرف به شهر دمشق و مرز لبنان و سوریه است، به دست صهیونیست‌ها افتاده و زیرساخت‌های نظامی و غیرنظامی سوریه مانند شبکه ریلی، بندر لاذقیه و فرودگاه‌های مهم کشور سوریه توسط رژیم صهیونیستی هدف قرار گرفته‌است.

«ارتش اسرائیل کنترل خود را بر مناطق کلیدی این منطقه تحکیم کرده و قلعه‌هایی را اشغال کرده که بخش‌های وسیعی از سوریه، بویژه مناطق مرزی را تحت پوشش قرار می‌دهد. ارتش اسرائیل همچنین نقاط لاذقی و جاده‌های درون روستاهای سوریه را با استقرار حصارهای نظامی مسدود کرده که شبیه حصارهای موجود در کره باختری است». بنیامین نتانیاهو نیز از ادامه اشغال مناطق بی‌طرف تا زمانی که نیرویی برای اجرای توافقنامه خلع سلاح امضاشده سال ۱۹۷۴ شکل بگیرد خبر داده اقدامی که با توجه به شرایط فعلی سوریه و حملات ارتش رژیم صهیونیستی به زیرساخت‌های این کشور، رخداد آن در کوتاه‌مدت بسیار دور از واقعیت است. نکته جالب دور جدید اشغالگری رژیم صهیونیستی سلاح امضاشده سال ۱۹۷۴ یعنی تروریست‌ها و افراد افراطی است.

سوریه به دست «افراد نادرست» نیفتند. افراد نادرستی که مقامات سیاسی آمریکا به آنها اشاره می‌کنند تا پیش از این و قبل از سقوط دولت سوریه به عنوان مبارزان سوری و مخالفان دموکراتیک بشار اسد معرفی می‌شدند و پس از سقوط دولت سوریه نیز شبکه‌های رسانه‌ای دولت آمریکا مانند سی‌ان‌ا، بر رهبران آنها مصاحبه کرده و به رپرتاژ رسانه‌ای به نفع آنها پرداخته‌اند و نابودی زیرساخت‌های سوریه به بهانه اینکه این تجهیزات در دستان افراد نادرست قرار نگیرند با رفتار رسانه‌ای، سیاسی و نظامی آنها در قبال سوریه در تناقض است. ادعاهای مقامات آمریکایی در توجیه تجاوزات رژیم صهیونیستی به سوریه جهت پوشاندن هدف اصلی غرب و رژیم صهیونیستی در سوریه مطرح شده است؛ هدفی که تجزیه سوریه و رقابت با محور اخوانی تحت حمایت ترکیه و قطر را دنبال کرده و به دنبال سهم‌خواهی از سوریه بی‌دفاع است.

مسیر ترانزیت تسلیحات، مواد مخدر و حتی جنگجویان را در منطقه تقویت کند. علاوه بر این، فقر و محرومیت اقتصادی، همان‌طور که در لیبی شاهد بودیم، می‌تواند موج جدیدی از مهاجرت و بحران انسانی را ایجاد کند. در یک دید کلی، سقوط بشار اسد، به تنهایی پایان مشکلات سوریه نخواهد بود، بلکه ممکن است آغازگر بحرانی جدید و بی‌سابقه باشد. تاریخ نشان داده است حذف یک رهبر، بدون جایگزینی مناسب و توانمند، بیشتر به آشفتگی می‌انجامد تا راهایی.

سوریه با ساختار اجتماعی پیچیده و منافع متعارض داخلی و خارجی، نیازمند راه‌حلی است که نه‌تنها نظم سیاسی، بلکه اعتماد اجتماعی را بازسازی کند. جامعه بین‌الملل باید از تکرار اشتباهات گذشته در لیبی و عراق درس بگیرد و از طریق تلاش‌های دیپلماتیک، بر ایجاد یک فرآیند گذار سیاسی کارآمد تمرکز کند. اما مهترتر از همه، ایما مردم سوریه هستند که باید راه آینده را انتخاب کنند. آیا می‌توانند از تاریخ بیاموزند و به جای تکیه بر نمایان خارجی، به همبستگی داخلی رو آورند؟ زمان، پاسخ این سؤال را خواهد داد.

در نهایت، سوریه امروز در برخی ایستاده است که هر تصمیم و اقدامی می‌تواند به آینده‌ای متفاوت منجر شود؛ آینده‌ای که شاید درس‌هایش برای جهان نیز ماندگار باشد.

بی‌نوشته

1) Balance-of-Power __ a-42698/pajooheir

شنبه ۲۴ آذر ۱۴۰۳
وطن امروز | شماره ۴۲۰۴
 [بین الملل]

دور دنیا

تور منطقه‌ای بلینکن

پس از سقوط دولت سوریه

آنتونی بلینکن، وزیر خارجه آمریکا سفرهای منطقه‌ای خود به غرب آسیا را پس از سقوط دولت سوریه آغاز کرد. وزیر خارجه آمریکا در نخستین سفر خود به کشورهای منطقه به اردن رفت تا با مقامات این کشور نگرانی‌ها درباره اقدامات احتمالی تکفیری‌ها علیه کشورهای همسایه سوریه را بررسی کند. متیو میلر، سخنگوی وزارت امور خارجه آمریکا گفت آنتونی بلینکن در این سفر بر حمایت ایالات متحده از انتقال فرآگیر قدرت در سوریه به یک دولت پاسخگو و مردمی تأکید خواهد کرد. به گفته میلر، وزیر خارجه ایالات متحده در سفر به اردن و بعد ترکیه، سوریه‌ای را ترسیم خواهد کرد که «پایگاه تروریسم یا تهدیدی برای همسایگانش» نباشد. بلینکن پس از گفت‌وگو با مقامات اردنی به ترکیه رفت تا تحولات سوریه را با وزیر خارجه ترکیه و مقامات این کشور بررسی کند. در این سفر و در نشست مشترک رسانه‌ای با هاکن فیلان، وزیر خارجه ترکیه بر ادامه مبارزه با تروریسم بویژه گروه داعش تأکید شد. بسیاری از تحلیلگران منطقه علت سفر بلینکن به منطقه را نگرانی کشورهای همسایه سوریه بویژه عراق و اردن از قدرت‌گیری گروه‌های تکفیری در سوریه و همچنین حمایت از اقدامات اشغالگرانه رژیم صهیونیستی در جولان و قنطره سوریه می‌دانند.

■ ■ ■

جنایات بی‌امان صهیونیست‌ها

در النصیرات

رسانه‌های فلسطینی از وقوع یک جنایت دیگر از سوی ارتش اشغالگر اسرائیل این بار در اردوگاه النصیرات در مرکز غزه خبر دادند. به گزارش منابع فلسطینی، در پی بمباران ساختمان پست و چند خانه مسکونی در این اردوگاه توسط جنگنده‌های ارتش صهیونیستی، تاکنون ۳۳ غیرنظامی به شهادت رسیده و بیش از ۸۴ نفر مجروح شده‌اند. طبق گزارش‌ها ۱۰ تن از شهدا از کودکان هستند. همچنین بیمارستان‌ها و پزشکان شمال غزه اعلام کردند از ابتدای تهاجم وحشیانه ارتش رژیم صهیونیستی به شمال غزه به جهت کودچاندن اجباری فلسطینیان از این ناحیه، از ۱۵ مهر ۱۴۰۲ تاکنون بیش از ۴۰۰۰ فلسطینی شهید و مفقود و همچنین ۱۲ هزار نفر مجروح شده‌اند. سخنگوی بیمارستان شه‌ای الاقصی در نوار غزه نیز اعلام کرد طی حملات اشغالگران از آغاز جنگ تاکنون بیش از هزار نفر از پزشکان و کادر درمان در غزه به شهادت رسیده و نزدیک به ۴ هزار نفر زخمی بازداشت شده‌اند. در ادامه جنایات صهیونیست‌ها در شمال غزه و به دنبال افزایش جنایات صهیونیست‌ها در اردوگاه‌النصیرات، کمیته‌های مقاومت فلسطین روز جمعه در واکنش به این حملات صهیونیست‌ها در غزه با صدور بیانیه‌ای اعلام کرد این جنایات‌ها در ادامه نسل‌کشی و کشتارهای وحشیانه صهیونیست‌ها در نوار غزه است. در این بیانیه آمده است: کشتار خونین صهیونیست‌ها علیه شهروندان فلسطینی در اردوگاه النصیرات، اصرار رژیم صهیونیستی بر ادامه جنایات نسل‌کشی و کشتارهای وحشیانه علیه ملت فلسطین در نوار غزه است. کمیته‌های مقاومت فلسطین افزود: ارتش جنایتکار رژیم‌صهیونیستی با تصمیم جنایتکاران جنگی صهیونیست و با حمایت قاتلان در دولت آمریکا، جنایتی وحشتناک علیه بی‌گناهان، کادر درمان، دانش‌گاهیان، اساتید دانشگاه، روزنامه‌نگاران و اصحاب رسانه مرتکب شد. کمیته‌های مقاومت فلسطین جنایت هولناک رژیم صهیونیستی در اردوگاه النصیرات را در راستای پاکسازی قومی عنوان کرد که با استفاده از سکوت جامعه جهانی انجام می‌شود.

■ ■ ■

چالش جدید روسیه

در قفقاز شمالی

دولت روسیه پس از رای منفی پارلمان منطقه جدایی‌طلب آبخازیا به سرمرایه‌گذاری روسیه در این منطقه، کمک مالی به آبخازیا را متوقف کرد. این اقدام دولت روسیه احتمال توافق مجدد منطقه جدایی‌طلب آبخازیا با دولت گرجستان را مطرح کرده است. اخیرا نیز بحران‌های بخش‌های انرژی، اقتصادی و اجتماعی در این منطقه افزایش داده است و تصمیم دولت روسیه در قبال اقدام پارلمان آبخازیا احتمال فاصله گرفتن بیشتر این منطقه متحد روسیه، از کرملین را بسبب افزایش داده است. دولت آبخازیا نیز پس از این اقدام روسیه در نامه‌ای به میخائیل میوشوستین، نخست‌وزیر روسیه خواستار از سرگیری پرداخت‌ها به آبخازیا از سوی روسیه شد اما میوشوستین به این درخواست پاسخ نداده است. گزارش‌هایی وجود دارد مبنی بر اینکه رهبران جدایی‌طلب چند روز است سعی دارند با مسکو و مقامات ارشد دولت روسیه تماس گرفته و از آنها بخواهند حمایت مالی را از سر بگیرند اما نادیده گرفته می‌شوند. از سوی دیگر عدم توان پرداخت پول برق وارداتی از روسیه برای آبخازیا و همچنین توقف‌فعالیت نیروگاه‌برق‌آبی «پنگوری» به‌دلیل کاهش سطح آب «سد جوهری» که در پی آغاز فصل زمستان و کاهش شدید ورود آب به آن رخ داده است، وضعیت را برای دولت آبخازیا وخیم‌تر کرده است. از ۱۱ دسامبر، برق در آبخازیا در طول روز حداکثر ۳ ساعت و در آینده احتمالا کمتر از این نیز به مصرف‌کنندگان ارائه می‌شود. همچنین انتظار می‌رود برق در طول شب قطع شود. این منطقه جدایی‌طلب در تاریکی و سرما فرو رفته است؛ زیرا خانه‌ها در آبخازیا با استفاده از دستگاه‌های برقی گرم می‌شوند. همچنین هنگام قطع برق، آب در سیستم لوله‌کشی اکثر شهرها و روستاهای آبخازیا قطع می‌شود. زندگی در این منطقه به «بقای سخت» تبدیل شده و این وضعیت، روسیه را به نوعی تنبیه برای آبخازیا تلقی شده است که به احساسات طرفداران روسیه ضربه شدیدی وارد می‌کند اما در پس این تصمیم روسیه، هدف اصلی قرار دادن آبخازیا در یک دوره‌ای است؛ دوره‌ای بازگشت به گرجستان یا الحاق به روسیه و تبدیل شدن به یکی از بخش‌های فدراسیون روسیه که مقامات جدایی‌طلب آبخازیا مجبور به انتخاب بین یکی از این مسیر هستند.